



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۳/۱۵

صلاح الدین سعیدی

مذاکرات صلح و کلید پاکستانی!

مذاکره و مصالحه سیاسی شهادت، جرئت، امر حق و تثبیت جانب خیر خواه تا یاغی و باغی است. مصالحه سیاسی تقویت مراجع امنیتی در اعتقاد راسخ به برحق بودن مبارزه از عزت و شرف مردم و از وجب و جب خاک وطن است.

مصالحه سیاسی کشیدن طرف متجاوز از دل و قلب مردم است. مصالحه سیاسی تلاش و رفع عوامل حضور سرباز و تسلط بیگانه در کشور ماست. دین اسلام و مبرر شرعی اساسی جهادی عده زیادی از مخالفین مسلح حاکمیت افغانی را اقل در ظاهر امر تشکیل میدهد و است.

مصالحه و مذاکره سیاسی اهداف و مقاصد دیگری نیز دارد که بعداً به بخش آن خواهیم پرداخت. اگر مصالحه و مذاکره سیاسی اهداف و مقاصد فوق را برآورده نه سازد، چنین مصالحه بنابر عوامل عنادی و تخلف دشمن، متحدین و حامیان شان و یا بی کفایتی خود ما باشد، دلیل واضح است که به خطا روانیم! و اما توافقات و ما حصه جانب پاکستانی - طالب حلقه اسیر (ملا برادر و غیره) آن به نام طالب و جانب امریکا (جناب خلیل زاد) در مذاکرات ۱۵ روزه خسته کننده دوحه - قطر:

مجاهد نطق به نام طالب در مصاحبه با تلویزیون شمشاد تقریباً بعد از مذاکرات گفت: با دست آورد اشغال با نشست و مذاکره به آن مشروعیت نمی دهد. ما حاکمیت بودیم و امریکا مارا سقوط داده با ایشان در مورد خروج و سکیجول صحبت داریم و ... گرداننده شمشاد نه گفت که چرا با ما که دست آورد همین نظام ایم مصاحبه دارید و مشروعیت حاکمیت شما از کجا گرفته شده بود؟

و اما ترجمه کامل سخن آقای مجاهد چنین است که: دست آورد این نظام هم نیروهای امنیتی افغان و هم قوانین آن اند و هم هم... که یکی را قبول ندارند و برای شان مشروعیت ندارند والسلام. چنانچه آقای ستانکزی هم همین مطالب را با صراحت گفت و بعد من شنونده را متهم کرد که سخنانش را تحریف کردم.

لهجه استکبار نطق طالب اسیر واضح تصدیق همان اقوال قریشی وزیر خارجه پاکستان بود که جنگ هند و پاکستان بر مذاکرات قطر تأثیر منفی خواهد داشت. اینکه اینک هند آبهای خویش را بر پنجاب بند کرد و جناب اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان به کمک جهان و هند برنامه های اقتصادی و مهار آب و معدن و چوب دارد و سرحد داخل خاک افغانستان، اعمار شده به پول امریکایی را نمی پذیرد و شاه شجاعی و یعقوب خانی را غداری میخواند، پس باید منتظر کدام شاه شجاع و یعقوب خان در افغانستان باقی بماند.

لذا مذاکرات قطر باید ناکام شود که قرار اظهارات مجاهد و نتایج اعلان شده ناکام هم شد. توافق بر سر مخالفت حرکت طالب با داعش و امثال آن اول تضمین مشهود نمی تواند داشته باشد و دوم جنگ طالب و عده ازین گروههای تروریستی عملاً بنابر عوامل مختلف دیگر قبل ازین مذاکرات ادامه داشت. خواست و برنامه پاکستان و طالب خروج عساکر خارجی از افغانستان بود و است. این خواست ملت افغان و امر الهی هم است. اما هدف پاکستان دست باز شدن اجیران پاکستان و ملیشان پاکستانی در افغانستان است که به صورت مکار پاکستانی به خواست ملت افغان با مکاری تلفیق شده و بُرد پاکستان هم درین است.

یکبار دیگر تأکید مکرر و مستند داریم: پاکستان در دامن چین افتاده و راه کاشغر - گوادر و سرمایه هنگفت چین در پاکستان این وضع را نهایی ساخته. پاکستان نه سرزمین مشروع دارد و نه اتباع و نه ملت است و این استابلشمنت پاکستان و جنرال زیدحامدهای پاکستان از همه بهتر میدانند. لذا وجود افغانستان مستقل، متکی به خود با برنامه های اقتصادی مهار آب و معدن و مردم به نفع افغانستان برای پاکستان قابل قبول نیست.

پاکستان دستپاک بنام طالب در اختیار دارد. قرار منطق واضح که پاکستان با به قدرت سیاسی رساندن طالب در افغانستان زمینه ساز ب قدرت رساندن طالب پاکستانی نمی شود و این اشاره ساده کفایت میکند که طالب افغان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

از عمق کثافت استابلاشمنت پاکستان در برابر طالب بداند. طالب در تصامیم خویش به همان های که صبیغه افغانی و دینی استدلال دارند و صفوف بی خبر از ابعاد وسیع بازی های سیاسی، پاکستان منطق حضور نیروهای خارجی در افغانستان ایشان را در کار جهادی ان قوت داده و تفرقه های قومی و سمتی را نیز در داخل افغانستان تمویل کرده و مردم را به جان هم انداخته. لذا شک و تردید نیست که پاکستان (استابلاشمنت) دشمن افغانستان و افغانها بود، است و باقی خواهد ماند.

باید یقین کامل داشت که کلید پاکستانی کلید حل نه بلکی کلید تباهی و بی عزتی افغان و افغانستان است! در مذاکرات ۱۵ روزه خسته کننده اخیر قطر جانب پاکستانی و اسیران طالب آن هیچگونه انعطاف معقولیکه ملت افغان تصمیم گیرنده اصلی شود از خود نشان نداده و ضیاع وقت میکند. پاکستان و اسیر طالب آن وقت زیاد دارد. حکومت کابل و جناب خلیل زاد وقت کافی ندارد و ملت صلح با عزت میخواهد!

پس مصالحه و مذاکرات صلح ضیاع وقت است؟

جواب در یک کلمه نه است. اما مدیریت بهتر میخواهد و باید بهتر مدیریت شود! و درین راستا اجماع ملت و هیئات مذاکره کننده افغانستان شمول و قوی کدام است؟ قاعده چنین است!؟ اگر من در تیم مذاکره کننده بودم هم تیم اجماع دارد، هم قوی و هم افغانستان شمول است. اگر نبودم، نیست!

اما باید گفت که درین راستا چیزی ایدئال وجود داشته نمی تواند، مردم ما به صلح با عزت اجماع دارند و تیم مذاکره کنند و مذاکره تصمیم برآن مسایل نیست که تصمیم در آن موارد حق ملت است. فهم این مسأله و تعیین حدود صلاحیت آن نبوغ نمی خواهد.

مذاکره و مصالحه جستجوی راه های است که چطور ملت تصمیم گیرنده اصلی شود.

و اما مذاکره و مفاهمه با جانب طالب و یا به نام جانب طالب که تصامیم و کردار خویش را به تعبیر خویش مبادی دینی و اصول دینی میدهد، توسط شخص و یا اشخاصیکه از اصول و قواعد دینی خبر ندارند کاملاً مشکل و حتی ناممکن است. شخصیکه مثلاً از بحث الحق لمن غلب خبر ندارد، از مقام زن در مسند قاضی اکبر و اصغر خبر ندارد، از مفاهیم و تعابیر امیر و حاکمیت اسلامی خبر ندارد و... چطور خواهد توانست با جانب طالب مذاکرات را به پیش ببرد؟ این بدان معنی نیست که هیئات مذاکره کننده باید ملا باشد. این بدان معنا است که هیئات مذاکره کننده باید بر علاوه فهم دینی به مسایل ملی و بین المللی و تاریخ روابط افغانستان و پاکستان آشنا، وارد و متعهد به افغانستان و مصالح ملت افغان باشد!

ما بدون توافقات ابتدایی به توافقات مراحل بعدی خیز و جست زده نمی توانیم!

اگر طالب یگانه وسیله به قدرت رسیدن و تحقق نسخه های خود، تعبیر و فهم خود باور دارد (که مبارکش باد) و فهم خود مبنی به گرفتن قدرت سیاسی از طریق گرفتن شمشیر و یا از جانب امریکایی در پشت در های بسته و یا کنفرانس جدید بُن باور دارد و مشروعیت تطبیق نسخه های خویش را از طریق گرفتن مشروعیت ملت در یک انتخابات تحت نظر جهان و با توافق به میکانیزم جدید مستقل، توافق نه کند مذاکرات بعدی بی نتیجه است!

غلط فهمی نشود منظور من از تسلیمی سلاح طالب به حکومت کابل و تکرار تجربه با حزب اسلامی جناب حکمتیار هم نیست. حالتیکه یک جانب تحت ترحم و شفقت دیگر قرار داده شود و طالب به دست مرحمت قرارگیرد. حاکمیت کابل که در انتخاب والی و قوامندان امنیه و ولایت خود مشکلات جدی دارد، امنیت ملت و حتی امنیت خود را گرفته نمی توانند حتمی نیست کل اختیار تلقی شود. برای این مطالب و انتخابات شفاف باید بر سر میز مذاکره تمام جوانب بحث و راه حل منطقی قابل فهم خود را پیدا کنند و این را حل در نفی یکدیگر نیست.

برای تکمیل بحث چون ما در عصر فتنه و مکر زندگی داریم و جانب فتنه گر و اهداف آنرا میدانیم، عصر تهمت های زیادی غیر حق نیز حاکم است و وجود دارد،

لذا پیشنهاد میکنم که تمام مذاکرات صلح و جریانات آن تحت نظر میدیا به صورت زنده و علنی باشد و فرصت قضاوت برای ملت داده شود. اگر جانب مقابل قبول ندارد این موضع به ملت و جهان به صورت وسیع رسانده شده و مذاکرات اصولی و ممکن به هدف رسیدن به صلح و استقرار باعزت به نحوی که توافق میشود و یا حد اقل نیمه علنی ادامه داشته باشد!

بعضی از راه های حل و تدابیر دیگر:

- مساعدت جهانی به جنبش های پشتون و بلوچ در پاکستان تا به سرنوشت خویش مسلط ساخته شوند.
- قطع کمکها و تجرید پاکستان در سطح منطقه و جهان.
- نهادینه کردن ساختار های حاکمیت مردو مردم داری در افغانستان و تحکیم دولنداری خوب و دادن محتوی راستین به انستیتوت ها و ساختار های موجود دولتی در افغانستان

- افشاء و تجريد سياسيون متعهد به دشمن پاكستاني و ايراني و تجريد افراد فتنه گر قومي و سمتي.
_ پيگري تمام نيرو هاي خير و متعهد به افغانستان و مردم ما در خدمت به مصالح و منافع كشور و مصالح مردم ما در تمام حالات و با استفاده از همه فرصتها!
_ ادامه ء تلاش هاي سالم در قسمت رفع تمام عوامل و دلايليكه فوقاً هم ذكر گرديد و دشمن را بي بهانه و بي دست آويز در بين مردم ساخته و تجريدش كرد.
و من الله التوفيق

د پانو شميره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ